

نقش گیلان در روابط خارجی ایران و روسیه نیمه نخست حکومت صفویه (۱۰۰۰-۹۰۷ ق.)

محمد شورمیج^۱

چکیده

نقش گیلان در روابط خارجی ایران با روسیه در دوره صفویه تا آغاز حکومت شاه عباس اول، موضوع بررسی پژوهش حاضر است و این منطقه به سبب موقعیت جغرافیایی در کنار دریای خزر و اهمیت تجاری آن، همواره مورد توجه بود. مسأله اصلی تحقیق این است که گیلان چه نقشی در روابط خارجی ایران و روسیه در نیمه نخست حکومت صفوی داشت؟ نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گیلان بیشترین نقش را در ارتباطات مواصلاتی و تجاری بین دو کشور ایفاء می‌کرد و روابط تجاری ایران و روسیه بر مبنای بازرگانی دولتی بود. نکته مهم‌تر اینکه، سفرای روسیه بیشتر در قالب تجار فعالیت می‌کردند و هدف سیاسی آنان، اتحاد علیه دشمن مشترک یعنی عثمانی بود؛ هر چند که این سیاست به سبب عدم انطباق رویه‌های سیاسی دو کشور هرگز عملی نشد. از سوی دیگر، حکام محلی گیلان نیز در این دوره با روس‌ها ارتباط مستقیم تجاری داشتند و حتی با تهدید دولت صفوی، به دنبال اتحاد سیاسی با روس‌ها برای حفظ قدرت خود بودند. بنابراین، دولتمردان ایرانی به سبب ناآگاهی از شرایط داخلی روسیه و اهداف منطقه‌ای آنها، دیپلماسی مناسبی در روابط با روسیه در نیمه نخست حکومت صفوی اتخاذ نکردند و حتی متوجه رویه منفعت‌طلبانه و طمع‌ورزی آنها در منطقه مرزی گیلان نشدند.

واژگان کلیدی

ایران، روسیه، حکومت صفویه، روابط خارجی، گیلان

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۳/۵ تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۷/۶/۱۱
^۱. استادیار گروه تاریخ، دانشگاه پیام نور m.shoormeij9@pnu.ac.ir

مقدمه

با تشکیل دولت‌های ملی در ایران و اروپا طی قرن‌های ۱۱-۱۰ هجری/ ۱۷-۱۶ میلادی و تکاپوی برخی دولت‌های غربی برای اتحاد با دولت صفوی علیه عثمانی، زمینه‌های گفت‌وگوی سیاسی فراهم گردید و به دنبال آن روابط تجاری نیز برقرار شد. دولت صفوی در این برخورد سیاسی و تجاری با غرب، از رویه کارشناسانه استفاده نکرد و نتوانست به خوبی از دانش و موقعیت اقتصادی و سیاسی غرب بهره‌مند شود.

دولت روسیه در بین دولت‌های اروپایی، کشوری توسعه نیافته بود. این کشور به سبب نزدیکی با مرزهای ایران، همواره به دنبال روابط تجاری و سیاسی با ایران بود، اما دولتمردان صفوی متوجه کوشش‌های سودجویانه روسیه برای کسب منافع خود نشدند و رویه درستی در برابر آنها اتخاذ نکردند.

در ابتدای دوره صفوی به سبب کشمکش‌های مداوم ارباب قدرت محلی در گیلان و فقدان دولتی مقتدر در حوالی خزر، روابط منظم خارجی با مشکلاتی همراه بود، اما چون یکی از مسیرهای تجاری حکومت صفوی، راه دریای خزر و قفقاز به روسیه و اروپا بود و گیلان در ابتدای این مسیر، همواره جایگاهی خاص داشت.

روابط ایران با روسیه در نیمه نخست حکومت صفوی را باید از طریق گیلان جست‌وجو کرد و این پژوهش در پی همین هدف است و بر این پایه مسائل زیر بررسی خواهد شد: ۱. نقش گیلان در روابط خارجی ایران با روسیه در نیمه نخست دولت صفوی (۱۰۰۰-۹۰۷ ق.). چگونه بوده است؟ ۲. آیا گیلان برای روسیه در این دوره زمانی اهمیت تجاری و استراتژیک داشت؟ ۳. هدف دولتمردان ایران و روس و حاکم گیلان در مناسبات خارجی با یکدیگر در این دوران چه بوده است؟

روش تحقیق در این مقاله از نوع توصیفی و تحلیلی و روش انجام آن به صورت کتابخانه‌ای است.

پیشینه تحقیق

در زمینه روابط ایران با روسیه در عصر صفوی، کتب و مقالاتی به چاپ رسیده است. یک دسته، اصولاً به کلیات روابط خارجی ایران پرداخته و در کنار آن از روسیه نیز بحث کرده‌اند. اثر نصرالله فلسفی در یکی از مجلدات *زندگانی شاه عباس اول* به نام *روابط خارجی ایران عصر صفوی و کتاب ایران و جهان* و عبدالرضا هوشنگ مهدوی در *تاریخ روابط خارجی ایران* و نجفعلی حسام معزی در *روابط سیاسی ایران با دنیا*، از این دست آثار تحقیقی است. دسته دوم، آثاری به روابط ایران با روسیه در دوره‌ای طولانی پرداخته‌اند و در کنار آن، از دوره صفویه نیز بحث کرده‌اند. محمدعلی جمال زاده در *تاریخ روابط روسیه و ایران*، به روابط تاریخی ایران از قرن ۴ هجری تا اوائل قاجار به طور کلی پرداخته است و بقیه نویسندگان چون احمد تاجبخش نیز بیشتر از دوره قاجار، روابط ایران و روسیه را مورد توجه قرار داده‌اند.

دسته سوم مقالات است، هر چند که مقالات اندکی در زمینه روابط ایران و روسیه عصر صفوی منتشر شده است. مقاله علی بیگدلی با عنوان "ایران و روسیه" در *نشریه ماهنامه زمانه* و مقاله قاسم چراغچی و علی اکبر کجیاف و مرتضی دهقان نژاد با عنوان "بررسی ابعاد تحولات روابط ایران و روسیه در دوره صفویه" نمونه‌هایی از این دست تحقیقات هستند. البته در مقالاتی نیز به بررسی روابط ایران و روسیه از صفویه تا انقلاب اسلامی پرداخته‌اند. در بین مقالات، مقاله «بررسی ابعاد تحولات ایران و روسیه عصر صفوی» در *مجله پژوهش‌های تاریخی دانشگاه اصفهان* بیشتر جلب توجه می‌کند. نویسندگان محترم در منظری کلی به ابعاد چرخش روابط ایران و روسیه در عصر صفوی پرداخته و به اینکه چطور دیدگاه دولتمردان روس در اواخر صفوی به سمت استعمارگری رفت و بعدها مشکلاتی برای ایران پدید آورد، اما در همین مقاله نیز حوزه مطالعاتی وسیعی بررسی شده است. مقاله حاضر فقط به بررسی نقش گیلان در روابط ایران و روسیه عصر صفویه تا آغاز شاه عباس اول خواهد پرداخت.

زمینه‌ها و چگونگی ارتباط ایران با روسیه در آغاز حکومت صفوی از مسیر گیلان

پیش از سده ۱۰ هجری/ نیمه دوم سده ۱۶ میلادی بر سر راه ایران و روسیه ساکنان پاره‌ای مناطق، اتباع عثمانی بودند و عثمانی نیز دشمن هر دو کشور بود و بنابراین، مسافرت مشکلات و خطراتی مانند تاراج و بردگی داشت. از سده ۱۰ هجری/ نیمه دوم سده ۱۶ میلادی وضعیت تغییر کرد، زیرا مناطق غازان و آستراخان (حاجی طرخان یا هشترخان) در شمال دریای خزر، ضمیمه روسیه شد (Ferrier, ۱۹۸۶: ۶/۴۲۸) و ایران از طریق ولگا و آستراخان با آنها رابطه برقرار کرد. آستراخان، راه اصلی داد و ستد با روسیه گردید و در جاده‌ای قرار داشت که از دریای سفید به دریای خزر کشیده می‌شد و اروپا را به آسیا متصل می‌کرد (فریر، ۱۳۸۰: ۲۲۲؛ Ibid: ۴۳۰). این موضوع بر اهمیت آستراخان در تجارت می‌افزود.

آنتونی شرلی در سفرنامه خود نوشته است: «از حاجی طرخان از روی رودخانه ولگا به روسیه رسیدیم و دو ماه طول کشید، در این مدت چیز قابل اعتنا و شایسته مشاهده نمودیم» (شرلی، ۱۳۵۷: ۱۰۴). با استناد به نوشته شرلی، تجارت از طریق روسیه مشکلاتی داشت، به ویژه اینکه این کشور هنوز فئودالی بود و در گیلان نیز بندر تجاری مهم وجود نداشت و در شرق گیلان، بیشتر رفت و آمدها از ایران به روسیه از طریق بندر کوچک لنگرود صورت می‌گرفت (عظیمی دوبرخشی، ۱۳۸۱: ۴۵).

با ظهور حکومت صفویه، وضعیت کشور سر و سامان یافت و در روسیه نیز ایوان سوم (۹۱۰-۸۶۷ ق. / ۱۵۰۵-۱۴۶۲ م.) توانست اوضاع روسیه را سر و سامان دهد، اما ایالت مرزی گیلان شرایط تقریباً نیمه‌مستقلی داشت. ضعف دولت مرکزی در منطقه و اقتصاد غالب معیشتی گیلان، عقب‌ماندگی و فقدان دولت متمرکز و قدرتمند در سرزمین‌های همجوار شمال دریای خزر، امکان دستیابی به ارتباطات منظم خارجی را از طریق منطقه گیلان در آغاز حکومت صفوی دشوار کرده بود (شورمیچ، ۱۳۹۵: ۱۲۳).

با همه این تفصیلات، به روایتی در سال ۹۲۷ ق. سفیری از طرف شاه اسماعیل اول به دربار تزار واسیلی سوم (۹۳۹-۹۱۰ ق.) فرستاده شد که اطلاعی از نتیجه این سفارت در دسترس نیست (چراغچی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴). اما مسافرت آنتونی جنکینسون انگلیسی در سال ۹۶۹ ق. / ۱۵۶۲ م. با عنوان نماینده کمپانی مسکووی از مسیر روسیه و قفقاز به

ایران برای خرید ابریشم، فرصتی برای کارگزاران روسی پدید آورد تا با تصرف بندر هشترخان (۹۶۱ق.) در ساحل دریای خزر به فکر گسترش نفوذ در ایران باشند (همان)؛ هر چند که هنوز دولت روسیه به مرحله توسعه‌طلبی در مرزهای ایران نرسیده بود.

نقش و جایگاه گیلان در روابط خارجی ایران با روسیه از آغاز حکومت صفوی تا آغاز پادشاهی شاه عباس اول

گیلان در روابط خارجی ایران و روسیه، جایگاهی ویژه داشت: یکی به سبب موقعیت جغرافیایی در کنار دریای خزر و همسایگی با کشورهای حاشیه دریای خزر، زیرا تمامی اقوام و ملل آن سوی دریای خزر از طریق گیلان و مازندران با ایران ارتباط برقرار می‌کردند. دیگر اینکه در روابط خارجی ایران با روسیه، تمام سفرای روس از گیلان وارد ایران می‌شدند و این موضوع بر اهمیت گیلان در روابط خارجی می‌افزود.

همچنین آب و هوا و خاک گیلان برای رشد و تربیت درخت توت و پرورش کرم ابریشم مناسب بود و از مراکز مهم تولید ابریشم به شمار می‌آمد؛ باید گفت که ابریشم از کالاهای اصلی ایران در صادرات بود و یکی از منابع اصلی درآمد حکومت محسوب می‌شد. مسأله ابریشم از علل توجه روس‌ها به منطقه بود و بهترین نوع ابریشم ایران - سلطانی - در گیلان به ویژه لاهیجان تولید می‌شد (لوفت، ۱۳۸۰: ۵۵). شاردن از ابریشم شعرباف در لاهیجان نام برده است که مخصوص پارچه‌های زربافت بود (شاردن، ۱۳۷۴: ۹۰۳/۲).

افزون بر آن، روس‌ها از دوره صفویه با تصرف شهر آستراخان (۹۶۱ق.) خود را به ایران نزدیک کردند (شانی‌نوف، ۱۳۵۷: ۷۵؛ استریکلر، ۱۳۸۲: ۲۴). آستراخان نقشی مهم در دادوستد تجاری ایران و روسیه داشت. بدین ترتیب، گیلان که نزدیک‌ترین ایالت ایران به آن کشور بود، اهمیت خاص یافت. به روایت خودزکو، کشتی‌های بار ابریشم ایران به وسیله بازرگانان به بازار آستراخان می‌رسید (خودزکو، ۱۳۵۴: ۸۴).

مورد دیگر اینکه، به خاطر وجود منابع طبیعی و معدنی در حوالی دریای خزر مانند نفت در منطقه قفقاز به خصوص شماخی (اولتاریوس، ۱۳۶۳: ۳۵۹) و به سبب اهمیت

تجاری منطقه حوالی دریای خزر و برای جلوگیری از سلطه عثمانی بر مناطق قفقاز روس‌ها همواره در زمان صفوی به خصوص در اواخر آن، به سواحل جنوبی دریای خزر و گیلان توجه خاص داشتند. هر چند تجارت در دریای خزر در نیمه اول دوره صفوی محدودیت و مشکلاتی داشت، زیرا کشتی‌های بادبانی قدرت مانور چندانی در دریا نداشتند و علاوه بر آن، شمار بنادر در دریای خزر اندک بود (همان: ۳۷)، با این حال، همواره تجارت در حوالی دریای خزر برقرار بود و کشتی‌های کوچک در آن دریا بین گیلان و استرآباد و آسترآخان (هشترخان) در رفت و آمد بودند و به حمل بار و کالا می‌پرداختند (دلاواله، ۱۳۸۱: ۱۴۵؛ همان، ۱۳۸۰: ۱/ ۶۱۱) و این نکته بر اهمیت تجاری و سیاسی منطقه گیلان در نزد زمامداران ایران و روسیه می‌افزود. البته به نظر دلاواله، ایرانیان دریانوردان خوبی نبودند (همان، ۱۳۸۱: ۱۴۵) و بنابراین، راه دریایی بیشتر در دست مردم همجوار حاشیه دریای خزر بود.

همزمان با نیمه نخست حکومت صفوی (از شاه اسماعیل اول تا آغاز حکومت شاه عباس اول) در روسیه، ایوان سوم (۹۱۰-۸۶۷ ق. / ۱۵۰۵-۱۴۶۲ م.)، واسیلی سوم (۹۳۹-۹۱۰ ق. / ۱۵۳۴-۱۵۰۵ م.)، دوره فترت (۹۵۳-۹۳۹ ق. / ۱۵۴۷-۱۵۳۴ م.)، ایوان چهارم (۹۹۰-۹۵۳ ق. / ۱۵۸۴-۱۵۴۷ م.) و فتودور اول (۱۰۰۴-۹۹۰ ق. / ۱۵۹۸-۱۵۸۴ م.) به فرمانروایی رسیدند و ایوان چهارم توانست اوضاع روسیه را سروسامان دهد و دولتی نیرومند برپا کند.

روابط ایران و روسیه، به روایتی از زمان شاه اسماعیل اول آغاز شد. او در ۹۲۷ ق. سفیری به دربار تزار واسیلی سوم فرستاد، اما اطلاعی از نتیجه سفارت در دسترس نیست. سپس در سال ۹۶۰ ق. سید حسین نامی از سوی ایران به روسیه اعزام شد و این زمان، مقارن با اشغال غازان به دست ایوان چهارم بود، اما در منابع ایرانی از آن یادی نشده است (چراغچی و دیگران، ۱۳۹۷: ۴).

در دوره شاه تهماسب اول، برای اولین بار فعالیت تجاری با ایران، نه از سوی دولت روسیه بلکه به وسیله بازرگان انگلیسی از طریق خشکی و مرز دریایی روسیه با ایران صورت گرفت، زیرا روس‌ها هنوز با امور بازرگانی و تجارت دریایی آشنایی چندانی

نداشتند (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۲۲-۵۲۱). در این زمان، جنکینسون^۱ از طرف شرکت روسیه مسکووی^۲ و با اجازه ایوان چهارم برای گشایش راه تجاری به ایران آمد تا در ولایات شمالی ایران به ویژه گیلان که مرکز تهیه ابریشم بود، روابط تجاری برقرار کند (والسر، ۱۳۶۴: ۱۰۱-۱۰۰؛ میراحمدی، ۱۳۷۱: ۱۷۹؛ ۱/۳۶۶: ۱۹۶۶، Curzon)، هیأت انگلیسی در سال ۱۹۷۴ق. از تهماسب اول امتیازات معافیت گمرکی و تأمین امنیت گرفت (Lockhart, ۱۹۸۶: ۶/۳۸۴؛ Ferrier, ۱۹۸۶: ۶/۴۳۱).

در حدود ۹۷۶-۹۷۵ق. یک انگلیسی به نام ادواردز، تجارتخانه ابریشم در نزدیکی رشت برپا کرد و انگلیسی‌ها چند سال بعد، آخرین کشتی خود را برای تجارت ابریشم از گیلان به اروپا از مسیر آستراخان (حاجی طرخان یا هشترخان) به آب انداختند، اما موفقیتی کسب نکردند (لافون و رابینو، ۱۳۷۲: ۲۳؛ بنجامین، ۱۳۶۹: ۳۱۳؛ lockhart, ۱۹۸۶: ۶/۳۸۴). هر چند وضعیت اقتصادی گیلان در زمان تهماسب اول مساعد نبود، زیرا به نوشته رابینو به نقل از لورنس شاپمن: «... مردم توسط عمال حکومتی چنان غارت شده‌اند که کسی قدرت خرید حتی یک کرسی^۳ را ندارد» (رابینو، ۱۳۷۴: ۵۱۹)، البته در وضع نامساعد گیلان، آب و هوای بد آن نیز مزید بر علت بود. به نوشته تاورنیه: «آب و هوای آن در بدی ضرب‌المثل ایرانیان است و اگر کسی مرگ می‌خواهد، برود حاکم گیلان شود» (تاورنیه، ۱۳۶۹: ۳۶۱).

مسأله مهم در روابط خارجی دوره تهماسب اول با روسیه، تهدید نظامی عثمانی برای دو کشور ایران و روسیه و سیاست تعامل یا تقابل دو کشور با حکومت‌های محلی قفقاز و ترکستان بود. در عثمانی، سلطان سلیمان اول (۹۷۴-۹۲۶ق.)، می‌کوشید تا حضور ترکان عثمانی را در حوزه رود ولگا و شمال قفقاز تقویت کند، اما به سبب درگیری با صفویه و اسلاوهای بالکان موفق نشد. در زمان سلیم دوم (۹۸۲-۹۷۴ق.) شرایط تغییر کرد. با کوشش عثمانی برای تصرف حوزه جنوبی ولگا و توسعه روابط آنها با ازبکان و تاتارها، مناسبات ایران و روسیه بر سر مسأله قفقاز شکل گرفت و دو کشور

^۱. Jen kinson

^۲. Muscovy

^۳. kersey یا توپ پارچه

ایران و روسیه به روابط با همدیگر برای جلوگیری از توسعه‌طلبی عثمانی علاقه‌مند شدند (چراغچی و دیگران، ۱۳۹۷: ۵). در سال ۹۷۶ق. ایوان چهارم سفیری به نام دولت کارپیویچ نزد شاه تهماسب اول فرستاد. فرستاده روس، سی توپ و چهار هزار تفنگ به شاه ایران هدیه داد و پانصد تیرانداز ماهر او را همراهی می‌کردند، اما این مأموریت نتیجه‌ای به همراه نداشت (سیوری، ۱۳۶۶: ۹۷)، زیرا عثمانی به طور موقت از حملات دست کشید و روسیه به علت درگیری‌های بالکان به مصالحه با عثمانی متمایل شد.

مناسبات خان احمد دوم با روس‌ها

در باب رابطه حاکم گیلان با روسیه، نامه‌ای از خان احمد خان دوم به پادشاه صفوی در دست است که خان احمد در آن نامه به ورود سفیر روس به لاهیجان اشاره می‌کند، اما نام تزار روس و سفیر آن و پادشاه ایران و تاریخ نامه قید نشده است (نوزاد، ۱۳۷۳: ۸۱-۸۲). نوزاد که نامه‌های خان احمد را جمع‌آوری کرده، تزار روسیه را ایوان چهارم خوانده است (همان: ۲۸۹)، اما در باره شاه ایران نمی‌توان نظر قاطع داد. به احتمال بسیار، شاه وقت ایران، تهماسب اول بود. در این نامه خان احمد نوشته است: «عرضه داشت کمینه بنده به اخلاص به ذروه عرض نواب کامیاب اشرف اقدس اعلی شاهی می‌رساند که... در این ولا از جانب پادشاه معظم ممالک مسکاو ایلچی معتبری از راه دریا به عزیمت وصول بدان درگاه خلاق پناه به لاهیجان رسید و چند روز توقیف او به رسم ضیوف نموده، او را روانه دارالسلطنه قزوین ساختیم که به اردوی معلی مزکی رسد و مدعای او مجماً اظهار دوستی و مطبوعیت است...» (همان: ۸۱). در این نامه، خان احمد به پادشاه صفوی توصیه می‌کند: حالا که عثمانی به خاک ایران حمله کرده، باید برای مقابله با آنها، ورود سفیر روس را که اظهار دوستی و محبت می‌کند، به فال نیک بگیریم و با آنها علیه عثمانی متحد شویم (همان: ۸۲-۸۱). این نامه بیانگر رابطه مستقیم خان احمد دوم با روس‌هاست که تا سقوط خان احمد دوم دوام داشت.

در اواخر پادشاهی سلطان محمد خدابنده، سفیری از سوی شاه ایران به نام هادی بیگ، با نامه‌ای به دربار فئودور اول فرستاده شد. شاه ایران، خواستار اتحاد و کمک نظامی تزار در مقابل تهاجمات عثمانی شد و حتی پذیرفت که در ازای کمک روسیه، باکو و دربند را در اختیار آنها قرار دهد. تزار روسیه از نمایندگان ایران پذیرایی کرد و در جواب شاه ایران، سفیری به نام واسیلچیکوف^۱ به ایران فرستاد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۸۳۰/۵-۱۸۲۹)، فئودور تزار روس پاسخ روشنی به ایران نداد زیرا گرفتار آشوب‌های داخلی و بحران اقتصادی روسیه بود و نمی‌توانست خود را درگیر جنگ عثمانی کند، اما چون نگران حضور عثمانی در حوزه بالکان، دریای سیاه و مدیترانه بود، سفیری به ایران فرستاد تا رضایت موقت ایران را جلب کند و ایران را همچنان دشمن عثمانی قرار دهد. سفیر روس واسیلچیکوف، نامه‌ای جداگانه برای خان احمد حاکم گیلان نوشت (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۳۷؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۱۵؛ نوایی، ۱۳۶۰: ۱۰۶) و این نامه حکایت می‌کند که خان احمد دوم، پیش از آن با روس‌ها مکاتباتی داشته است.

برخورد خان احمدخان با سفیر روسیه، دوستانه و مناسب آداب تشریفات دیپلماتیک نبود، زیرا وقتی معلوم شد که فئودور تزار روس برای خان احمد هدیه‌ای نفرستاده و تنها پرنس گودونف وزیرش، هدایایی برای او ارسال کرده است، سفیر را نپذیرفت. شاید هم وقتی متوجه شد که سفیر برای مذاکره با شاه ایران آمده است، ناراحت شد و به بهانه شکار از شهر لاهیجان بیرون رفت و مأموران گمرک در صدد تفتیش و ضبط محمولات سفیر بر خلاف آیین و مقررات برآمدند که موجب ناراحتی سفیر شد. علاوه بر آن، مأموران خان احمد دوم، حتی از تهیه غذای آنان نیز خودداری کردند (جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۱۶-۱۱۵؛ نوایی، ۱۳۷۷: ۲۰۴). سرانجام سفیر روس و همراهانش به دیدار خان احمد در لاهیجان رفتند؛ خان احمد از سفیر روس در باره سیاست روسیه به خصوص در حاجی طرخان، باکو و دربند پرسید، اما سفیر روسیه جواب درستی نداد و اظهار کرد که مقصود او این است که بین ایران و روسیه عهدنامه دوستی منعقد سازد (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۳۵). شاید سفیر روس از ارتباط خان احمد دوم با عثمانی در زمان شاه

^۱. Wassiltch Ikoff

عباس اول مطلع بود، زیرا خان احمد دوم برای حفظ قدرت خود در مقابل شاه عباس اول، از عثمانی تقاضای کمک و دوستی کرده بود (منجم یزدی، ۱۳۶۶: ۱۱۵؛ نوایی، نامه مراد سوم به خان احمد، ۱۳۶۷: ۱۱۹/۲ - ۱۱۶ و نامه مراد سوم به شاه عباس، ۱۳۶۷: ۱۳۶ - ۱۳۰).

زمانی که خان احمد خان دوم گیلانی با شاه عباس صفوی مواجه شد، از طرف خود سفیری به نام خواجه حسام‌الدین لنگرودی به روسیه فرستاد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۸۳۴؛ حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۴۱). در این زمان، هیأت سیاسی شاه عباس اول و هیأت حاکم گیلان به طور همزمان به مسکو رسیدند. دولت روسیه کوشید تا قدرت نظامی روس‌ها را به رخ ایرانی‌ها بکشد. در مراسم حضور، هدایایی شاهانه از سوی خان احمد خان دوم به تزار روس داده شد: یک عدد سپر طلاکاری شده، دو تخته قالی ایرانی، سه پارچه شال و سه تخته دارایی، پنج عدد قوطی زرد، سبز، سفید، سرخ و نمد و چیت ایرانی (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۴۱؛ حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۴۳). ارسال هدایا و سفیر، حاکی از استقلال‌طلبی حاکم گیلان بود، زیرا به طور مستقیم نماینده سیاسی به دربار روسیه فرستاده بود. همچنین، پذیرش فرستاده حاکم گیلان نیز بیانگر فرصت‌طلبی تزار روس بود، برای اینکه بر خلاف اصول دیپلماسی با دولت ایران، حاکم محلی ایران را به رسمیت شناخت.

در این مدت، گودونف صدراعظم تزار از وضعیت خان احمد حاکم گیلان اطلاعاتی کسب کرد و تزار روس با ایلچی خان احمد دوم، از در مهر و محبت در آمد و او را با جواب نامه خان احمد و مقداری هدایا در سال ۱۶۹۸ ق. به گیلان فرستاد (فلسفی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۸۳۶). تزار روس در نامه خود، خان احمد را به محبت و الطاف خود امیدوار و اظهار کرده بود، دستور داده تا ابواب تجارت بین روسیه و گیلان را باز نگه دارند و خان احمد را زیر سایه روسیه حمایت کنند (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۴۹؛ فلسفی، ۱۳۷۵: ۵ / ۱۸۳۶). پرنس گودونف صدراعظم روسیه نیز برای خان احمد نامه نوشت و هدایا فرستاد (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۴۳؛ ولایتی، ۱۳۷۴: ۱۹۸).

هدف خان احمد از این مذاکرات، تثبیت موقعیت سیاسی و حکومت خود در گیلان بود، اما روسیه سلطه بر منطقه تجاری و استراتژیک گیلان را در نظر داشت. خان احمد

دوم می‌کوشید با جلب حمایت روس و عثمانی، استقلال نسبی خود را در برابر شاه عباس اول حفظ کند. بنابراین، پس از رسیدن خواجه حسام‌الدین لنگرودی به گیلان سفیر دیگری در سال ۹۹۹ق. به نام توره کامل (ترک امیر) با پسر و برادر و یازده نفر هیأت همراه روانه روسیه کرد (جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۰). این سفیر در سال ۱۰۰۰ق. به حضور تزار روس رسید و اظهار داشت که شاه گیلان تقاضا دارد تحت حمایت روسیه باشد و امپراتور روسیه، همچنان که به شاه بخارا با فرستادن لشکر کمک می‌کند، به گیلان هم توجه فرماید (حسام معزی، ۱۳۶۶: ۳۵۰؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۰). این سفیر در وضعیت بحرانی خان احمد دوم به روسیه فرستاده شد، زیرا شاه عباس اول مصمم بود که گیلان را تسخیر و خان احمد دوم را سرکوب کند. خان احمد که به مقاصد شاه عباس اول پی برده بود، برای رهایی از این مخمصه، با شتاب سفیری دیگر به دربار روسیه فرستاد.

خان احمد دوم علاوه بر تزار، به گودونف هم نامه نوشت و متذکر شد: مسیح نامی را که به رعایای روسیه تعدی می‌کرد، تنبیه کرده است. ضمناً متذکر شد که هر ساله از گرجستان و چرکس‌نشین، عده‌ای اسیر از راه رودخانه ترک به گیلان می‌آوردند، اما امسال روس‌ها اسراء را گرفته و مانع شدند. بنابراین، ترتیبی اتخاذ شود که دیگر سرکردگان روسی مانع آنها نشوند. دربار روس درخواست‌های سفیر گیلان را پذیرفت و هدایایی با جواب نامه تدارک دید و سفیر را باز فرستادند (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۴۳؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۰). نکته مهم، نام توره کامل سفیر خان احمد است و بیانگر این است که سفیر، گیلانی و از اتباع او نبوده است. دیگر اینکه، روس‌ها تا آخرین لحظه زمامداری خان احمد دوم سعی کردند تا رابطه خود را با او حفظ کنند. این مسأله نشان می‌دهد که روس‌ها علاوه بر توسعه تجاری، قصد داشتند به طور غیرمستقیم بر گیلان سلطه یابند، اما با اقتدار شاه عباس اول، سیاست آنها عملی نشد. نکته آخر اینکه محتوای نامه خان احمد دوم به گودونف، حاکی از روابط حسنه خان احمد با روسیه است و سودی که از تجارت برده می‌برد.

سرانجام وقتی سفیر جدید روسیه برای پاسخ آخرین نامه خان احمد دوم به آستراخان رسید، متوجه شد که شاه عباس اول، گیلان را فتح کرده و خان احمد دوم به

شماخی گریخته است. بنابراین، روس‌ها، هدایایی را که برای خان احمد فرستاده بودند از سفیر گرفته و برای امیر گرجستان فرستادند (جمال‌زاده: ۱۳۷۲: ۱۳۰؛ حسام معزی ۱۳۶۶: ۳۵۱). در نتیجه، چون روس‌ها موقعیت را برای سلطه بر گیلان با وجود اقتدار شاه عباس اول مناسب ندیدند، دست از حمایت خان احمد برداشتند و منتظر فرصت دیگری برای نفوذ در گیلان ماندند، اما دولتمردان ایرانی از جمله شاه عباس اول، متوجه فرصت‌طلبی و توسعه‌طلبی نشدند و همچنان بدون آگاهی از وضعیت داخلی روسیه و اهداف سیاسی آنها به دنبال اتحاد سیاسی با روسیه بودند که بیهوده به نظر می‌رسید.

در اواخر سال ۱۰۰۰ق.، خان احمد که به شماخی گریخته بود، نعمت نامی را به عنوان سفیر به مسکو فرستاد. سفیر علاوه بر نامه خان احمد، حامل نامه‌ای از پادشاه گرجستان برای تزار روس بود (جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۱). در این نامه، خان احمد پس از ذکر فرارش به شیروان، اظهار امیدواری کرد که چون دخترش نامزد پسر شاه صفوی است، اسباب مراجعت وی به گیلان فراهم گردد (جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۲؛ حسام معزی ۱۳۶۶: ۳۵۲). از این رو خواهش کرد که در مراجعت کشتی‌های وی از آب‌های روسیه مانعی ایجاد نشود (نوایی، ۱۳۷۷: ۲۱۰؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۲). اما روس‌ها دیگر پاسخی به نامه خان احمد دوم ندادند، زیرا او دیگر فایده‌ای برای آنها نداشت و در برابر شاه مقتدری چون عباس اول، او را تنها گذاشتند و منافع خود را به خاطر یک حاکم محلی به خطر نینداختند. هر چند روس‌ها همواره به دنبال فرصت و موقعیتی بودند تا در منطقه گیلان نفوذ یابند، با این حال، دولتمردان صفوی متوجه فرصت‌طلبی روس‌ها نشدند.

روابط روسیه با حاکم گیلان پس از سقوط خان احمد دوم

با فرار خان احمد دوم و سقوط خاندان کیا در گیلان (۱۰۰۰ق.)، حکام قزلباش منصوب از طرف شاه عباس اول به ایالت گیلان فرستاده می‌شدند. شاه عباس اول پس از فتح گیلان، هیئتی بازرگانی شامل پنجاه نفر را به ریاست بازرگانانی به نام حاج خسرو برای افتتاح تجارت با روسیه در سال ۱۰۰۱ق. به مسکو فرستاد (هوشنگ مهدوی،

۱۳۶۹: ۶۶). حاج خسرو از گودونف صدراعظم تزار خواست تا چهار فروند کشتی برای رفت و آمد بین گیلان و آستراخان و متعلق به ایران، به وی تسلیم کند (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۴۶-۳۴۵؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۳-۱۳۲). علاوه بر آن، مهدی قلی خان چاوشلو حاکم جدید گیلان، نامه‌ای به فئودور اول تزار روسیه نوشت و به عرض رسانید که من بعد سفرای روس می‌توانند بدون ترس از مشکلات گمرکی به ایران رفت و آمد کنند (نوایی، ۱۳۶۶: ۳۴۶؛ جمال‌زاده، ۱۳۷۲: ۱۳۳).

محتوای این نامه‌ها شامل نکاتی است: یکی اینکه، ظاهراً کشتی‌های متعلق به خان احمد گیلانی بود که بین گیلان و روسیه رفت و آمد می‌کردند، در حالی که دولت ایران در دریای خزر کشتی و نیروی دریایی نداشت. نکته دیگر، اهمیت تجاری گیلان و سیاست حاکم جدید گیلان برای ادامه ارتباط تجاری با روسیه است که می‌خواست تسهیلات لازم را برای سفر و تجارت دولت روس فراهم کند (شورمیچ، ۱۳۹۵: ۱۳۰).

تحلیل مناسبات تجاری و سیاسی ایران و روسیه با محوریت گیلان

از سده ۱۰ هجری / ۱۶ میلادی در روسیه، همانند ایران برخی کالاها در انحصار دولت بود و تنها کسانی اجازه تجارت کالا داشتند که شاه ایران و تزار روس به آنها اجازه می‌داد و بر این اساس، تجارت محدود بود. علاوه بر آن، مشکلاتی وجود داشت، مانند مسأله چپاول تاجران از سوی مأموران دولتی و مشکل راه‌ها و عوارض گمرکی غیرقانونی که تجارت را محدودتر می‌کرد (کوزنسوا، ۱۳۵۶: ۱۳-۱۲). شرلی در سفرنامه خود اشاره کرده است که قبل از سفر ما به روسیه، شاه عباس اول کسی را نزد امپراتور روس فرستاد تا اجازه مسافرت بگیرد (شرلی، ۱۳۵۷: ۱۰۳). این نکته علاوه بر تأمین امنیت، نشان از کنترل دولت بر تجارت داشت. به همین سبب، تاجران دو کشور همواره کوشش می‌کردند که اجناس خود را با عنوان کالای دولتی صادر کنند (شورمیچ، ۱۳۹۵: ۱۲۵). در این دوره، سفرای روسیه بیشتر در قالب تجارت وارد می‌شدند، زیرا با توجه به ضعف سیاسی روسیه، برای اهداف توسعه طلبانه توانی نداشتند (اولناریوس، ۱۳۶۹: ۱/ ۲۵۹-۲۵۰؛ شانی‌نوف، ۱۳۵۷: ۹۸-۸۵؛ استریکلر،

۱۳۸۲: ۲۹-۳۱). اولتاریوس به تحولات داخلی روسیه اشاره نموده و سراسر دوران فتودور اول را آشفته توصیف کرده است (اولتاریوس، ۱۳۶۹: ۱/۲۵۰). هر چند از دوره فتودور هر زمان فرصت و شرایط لازم برای دولتمردان روسی پیش می‌آمد، به دنبال نفوذ در گیلان نیز بودند.

یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های سفرای روس در دربار ایران همواره این بود که برای فرستادن محصول ابریشم ولایات شمالی ایران در کنار دریای خزر، قراردادی با روسیه منعقد شود (دلواله، ۱۳۸۰: ۲/۱۲۶۱)، زیرا دولت روسیه تمایل داشت که تمام ابریشم گیلان و سواحل دریای خزر از طریق این دریا به روسیه حمل گردد تا انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و ونیزی‌ها از آنها خریداری کنند (دلواله، ۱۳۸۲: ۲/۱۲۶۱؛ فلسفی، ۱۳۷۵: ۱۹۵۶/۵). از سوی دیگر، مسیر گیلان به آستراخان در جنوب روسیه، تا هنگامی که عثمانی و صفویان درگیر جنگ بودند، اهمیت فوق‌العاده‌ای داشت. تجارت بین‌المللی از این مسیر، بسیار وسیع و متنوع بود: پارچه‌های زربفت، تافته، مخمل و بالاتر از همه ابریشم از طریق گیلان به مسکو و اروپا صادر می‌شد (سیوری، ۱۳۶۶: ۱۷۶).

کالاهای ایرانی در روسیه خواستاران بسیار داشت. بیشتر از هر چیز، ابریشم خالص و کالاهای تزئینی مانند سنگ‌های قیمتی، طلا و زیورآلات نقره‌ای به روسیه صادر می‌شد (کوزنسوا، ۱۳۵۶: ۱۲؛ شاردن، ۱۳۳۶: ۴/۳۷۱). ایران نیز پوست سمور، سنجاب، انواع پوست‌ها و عاج، خاویار، کنف، کتان و گندم وارد می‌کرد (کوزنسوا، ۱۳۵۶: ۱۲).

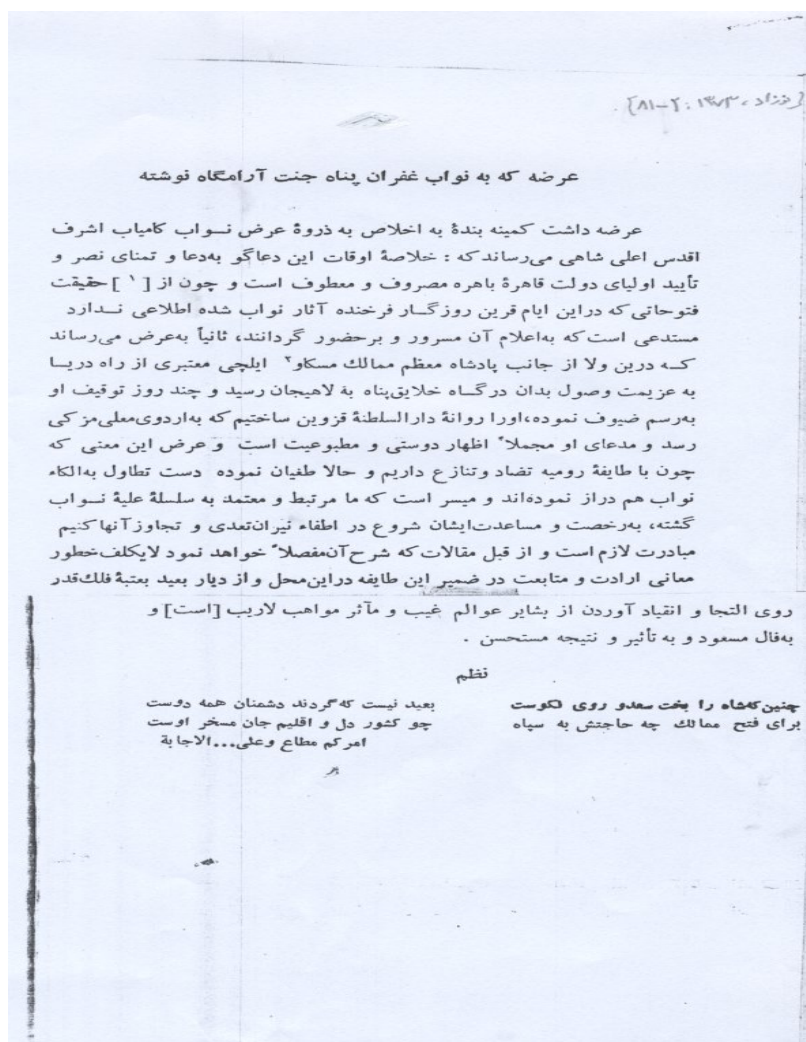
در کنار رویه تجاری، نباید از سیاست فرصت‌طلبی روس‌ها برای نفوذ در مرزهای ایران از جمله گیلان غافل شد، زیرا زمانی که خان احمد دوم گیلانی بدون توجه به سیاست ملی ایران و برای حفظ منافع شخصی و جایگاهش در گیلان، به روس‌ها روی آورد، دولتمردان روس نیز بدون توجه به دیپلماسی عمومی دو کشور و برای استفاده از فرصت نفوذ در گیلان، به نامه و تقاضای حاکم گیلان پاسخ مثبت و قول همکاری دادند. در حالی که در همان زمان، روس‌ها با شاه ایران روابط تجاری و دوستانه داشتند و حتی برای مبارزه با دشمن مشترک یعنی عثمانی، قول مساعدت می‌دادند. گذشته از بدعهدی روس‌ها در همکاری دیپلماسی با ایران، این مسأله از سوی دیگر، حاکی از ضعف دانش دیپلماتیک دولتمردان و سفرای ایرانی بود که متوجه روش دو رویه و فرصت‌طلبانه روس‌ها نمی‌شدند.

همچنین حاکی از ناآگاهی دولتمردان ایرانی از تحولات و مشکلات داخلی و سیاست خارجی روس‌ها بود. بدون در نظر گرفتن شرایط روس‌ها، به آنها تقاضای همکاری می‌دادند و به همین سبب، هیچ وقت از مناسبات خارجی در این دوره سودی نبردند.

نتیجه

گیلان به لحاظ ترانزیت و روابط تجاری با روسیه، جایگاهی خاص داشت و روابط ایران و روسیه با محوریت گیلان تا زمان شاه عباس اول بر مبنای تجاری بود و هنوز روسیه به مرحله توسعه سیاسی در ایران نرسیده بود. مسأله دیگر اینکه، تجارت کالاهای مهم در هر دو کشور، در انحصار دولت قرار داشت و بنابراین، بازرگانی دولتی نقش مهم در روابط تجاری دو کشور بازی می‌کرد و بیشتر نمایندگان روسی که به ایران آمدند نماینده بازرگانی دولتی بودند. گیلان با توجه به اینکه نزدیک‌ترین ایالت به روسیه بود، بیشترین نقش را در روابط تجاری دو کشور داشت و بر این پایه، روس‌ها همواره به این ایالت چشم طمع داشتند، اما در این زمان از ابزار لازم برای توسعه سیاسی برخوردار نبودند. از طرف دیگر، نیاز صفویه به عواید حاصل از تجارت و ترانزیت کالا و تقویت نظامی در برابر عثمانی سبب می‌شد که دولتمردان ایران متوجه روند نفوذ تدریجی روسیه در مناطق شمالی خود به خصوص بعد از زمان شاه عباس اول نشوند و فقط به دنبال رویه اتحاد سیاسی و همکاری تجاری باشند.

نکته دیگر اینکه، در نیمه نخست حکومت صفوی، حاکم محلی گیلان به طور مستقل با روس‌ها، مناسبات تجاری و حتی سیاسی برقرار کرد: روابط خان احمد خان دوم گیلانی با روس‌ها دوستانه بود، با این هدف اصلی که علاوه بر روابط تجاری پشتوانه‌ای سیاسی هم به دست آورد. روس‌ها نیز تمایل داشتند به بازار ابریشم گیلان دسترسی یابند و در تجارت پرسود این کالا به اروپا سهمی شوند. مهم‌ترین نکته اینکه رویه دیپلماسی دو کشور در برقراری ارتباط با یکدیگر، منفعت طلبانه و سودجویانه بود. بنابراین، هر دو طرف از مناسبات خود سودی نبردند و حتی متوجه اهداف یکدیگر نشدند؛ به خصوص که روس‌ها در زمان استقلال طلبی خان احمد دوم به دنبال اهداف سیاسی و منفعت طلبانه نیز بودند.



ورود سفیر روسیه به لاهیجان و دربار خان احمد دوم

منابع و مأخذ

فارسی:

- اولناریوس، آدام، ۱۳۶۹، *سرزمین تزارهای مخوف*، ج ۱، ترجمه: حسین کردبچه، تهران: شرکت کتاب برای همه.
- _____، ۱۳۶۳، *سفرنامه (بخش ایران)*، ترجمه: احمد بهیور، تهران: ابتکار.
- استریکلر، جیمز ای.، ۱۳۸۲، *روسیه تزاری*، چاپ دوم، ترجمه: مهدی حقیقت خواه، تهران: ققنوس.
- بنجامین، اس. جی. دبلیو، ۱۳۶۹، *سفرنامه ایران و ایرانیان عصر ناصرالدین شاه*، چاپ دوم، ترجمه: محمد حسین کردبچه، تهران: جاویدان.
- تاورنیه، ژان باتیست، ۱۳۶۹، *سفرنامه*، ترجمه: ابوتراب نوری، تجدیدنظر: حمید شیرانی، اصفهان: سنائی و تأیید اصفهان.
- جمال زاده، محمدعلی، ۱۳۷۲، *تاریخ روابط روس و ایران*، تهران: بنیاد انتشارات ادبی و تاریخی موقوفات محمود افشار.
- حسام معزی، نجفقلی، ۱۳۶۶، *تاریخ روابط سیاسی ایران با دنیا*، به کوشش: همایون شهیدی، تهران: نشر علم.
- خودزکو، الکساندر، ۱۳۵۴، *سرزمین گیلان*، ترجمه: سیروس سهامی، تهران: پیام.
- دلاواله، پیتر، ۱۳۸۱، *سفرنامه (قسمت مربوط به ایران)*، ترجمه: شرح و حواشی: شعاع‌الدین شفا، تهران: علمی و فرهنگی.
- _____، ۱۳۸۰، *سفرنامه*، جلد ۲، ترجمه: محمود بهفروزی، تهران: قطره.
- رابینو، ه. ل.، ۱۳۷۴، *ولایت دارالمرز ایران گیلان*، چاپ چهارم، ترجمه: جعفر خمایی زاده، رشت: طاعتی.
- سیوری، مروین راجر، ۱۳۶۶، *ایران عصر صفوی*، ترجمه: کامبیز عزیزی، تهران: سحر.
- شانی‌نوف، ن. بریان، ۱۳۵۷، *تاریخ روسیه*، ترجمه و اقتباس: خانابا بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- شرلی، آنتونی و رابرت شرلی، ۱۳۵۷، *سفرنامه برادران شرلی*، ترجمه: آوانس، مقدمه و توضیحات: محبت آئین، تهران: منوچهری.

- شاردن، ژان، ۱۳۳۶، سیاحت نامه، جلد ۴، ترجمه: محمد عباسی، تهران: امیرکبیر.
- _____، ۱۳۷۴، سیاحت نامه، جلد ۲، ترجمه: اقبال یغمایی، تهران: توس.
- شورمیچ، محمد، ۱۳۹۵، کارکرد سیاسی و اقتصادی گیلان در عصر صفوی تا پایان شاه عباس اول، رشت: دانشگاه گیلان.
- شوستر والسر، سیبلا، ۱۳۶۴، ایران صفوی از دیدگاه سفرنامه‌های اروپاییان، ترجمه و حواشی: غلامرضا وره‌رام، تهران: امیرکبیر.
- عظیمی دوبخشری، ناصر، ۱۳۸۱، تاریخ تحولات اجتماعی و اقتصادی گیلان "نگاهی نو"، رشت: گیلکان.
- فلسفی، نصرالله، ۱۳۷۵، زندگانی شاه عباس اول، جلد ۵، چاپ دوم، تهران: علمی.
- فریر، رانلد، ۱۳۸۰، از مجموعه پژوهش کمبریج، تاریخ ایران دوره صفویان، ترجمه: یعقوب آژند، تهران: جامی.
- لوفت، پاول، ۱۳۸۰، ایران در عهد شاه عباس دوم، ترجمه: کیکاووس جهان‌داری، تهران: کتابخانه تخصصی وزارت امور خارجه.
- لافون و رابینو، ۱۳۷۲، صنعت نوغان در ایران، ترجمه و تدوین: جعفر خماسی‌زاده، تهران: مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- کوزنسا، ن. آ.، ۱۳۵۶، "مقدمه سفرنامه کاتف" فدت آفاناس یویچ کاتف، سفرنامه، ترجمه: محمدصادق همایون‌فرد، تهران: کتابخانه ملی ایران.
- منجم‌یزدی، ملا جلال‌الدین، ۱۳۶۶، تاریخ عباسی یا روزنامه ملاجلال، به کوشش: سیف‌الله وحیدنیا، تهران: وحید.
- میراحمدی، مریم، ۱۳۷۱، تاریخ سیاسی و اجتماعی ایران در عصر صفوی، تهران: امیرکبیر.
- نوایی، عبدالحسین (به اهتمام)، ۱۳۶۷، شاه عباس (مجموعه اسناد و مکاتبات تاریخی همراه با یادداشت‌های تفصیلی)، جلد ۲، تهران: زرین.
- _____، ۱۳۶۶، ایران و جهان از مغول تا قاجاریه، تهران: هما.
- _____، ۱۳۷۷، روابط سیاسی و اقتصادی ایران صفویه، تهران: سمت.

_____، ۱۳۶۰، *مکاتبات سیاسی ایران (۱۱۰۵-۱۰۳۸ ق.)*، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

نوزاد، فریدون، ۱۳۷۳، *نامه‌های خان احمد خان گیلانی*، تهران: بنیاد موقوفات محمود افشار.

هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، ۱۳۶۹، *تاریخ روابط خارجی ایران*، تهران: امیرکبیر.

لاتین:

Curzon, N. George, ۱۹۶۶, *Persia and The Persian Question, Volume.۱*, London, Frank Cass and Co. Ltd.

Lockhart and Ferrier, ۱۹۸۶, *The Cambridge History of Iran, volume.۶*, edited by Peter Jackson and Laurence Lockhart, Cambridge University.

Savory, R.M. (translated), ۱۹۷۸, *History of Shah Abbas the Great*, by Eskandar Beg Monshi, volume. II, Westview Press, Boulder, Colorado.